

## هیئت موسسان سندیکاهای کارگری کجا ایستاده است؟

امیر پیام

بیست چهارم شهریورماه هشتاد و شش

اخیرا هیئت موسسان سندیکاهای کارگری در دو مورد مهم کاملا خلاف جهت گیری عمومی جنبش مستقل و نوین کارگری ایران حرکت کرده است. این دو حرکت خلاف جریانی بیش از پیش موقعیت هیئت موسسان را در پرده ابهام قرار داده و استقلال آنرا زیر سوال می برد.

ابتدا اما منظور از جنبش مستقل و نوین کارگری همان مجموعه تشکلات و کمیته ها و جمع ها و فعالین و اعتراضات و فعالیت های آگاهگرانه و سازمانگرانه است که از اول مه ۸۳ در سقز و با تولد سندیکای کارگران شرکت واحد در تمایز و تقابل با خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و شاخ و برگهایش و کل جمهوری اسلامی و همه جناحهایش بصورت رشد یابنده ای جریان دارد. سرکوب بی امان رژیم و تلاش های پلیسی و مافیایی و جنایتکارانه خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار برای مدت بیش از دو دهه طبقه کارگر را از همین جنبش مستقل کنونی محروم کرده بود. بنابراین حفظ استقلال و تمایز و تقابل با خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و مبارزه قاطعانه برای انزوا و انحلال این جریانات ضد کارگری یک پایه هویتی مهم و شرط اساسی سلامت و پیشرفت جنبش مستقل کارگری است.

نقد های همه جانبه و روشنگرانه عباس فرد و بهمن شفیق و مرتضی افشاری (۱) بر نظرات و سیاست های راست و ضد کارگری حسین اکبری، دبیر اجرایی هیئت موسسان، این امکان را فراهم آورد تا این هیئت بتواند با رد سیاست های حسین اکبری و فاصله گرفتن از محافل راست به سردمداری وی، تماما در صف جنبش مستقل کارگری قرار گیرد. طبیعی است که نقد هر قدر هم درست و سازنده باشد اما برای جریانی که مورد نقد واقع شده تلخ است و برای مدتی مقاومت منفی بر می انگیزد. اما انتظار به جا از فعالین صدیق هیئت موسسان این بود که بتوانند، در پرتو انتقادات مطرح شده، محافل راست را افشا و از خود دور کنند. اما دو مورد حرکت اخیر متأسفانه نشان می دهد که ظاهرا هیئت موسسان به همان سمتی می رود که مطلوب دبیر اجرایی اش است. این موارد را مرور کنیم.

### نهم آگوست

این روز از طرف کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (آی تی اف) به عنوان روز جهانی اعتراض به دستگیری و بازداشت منصور اسانلو و محمود صالحی اعلام شد. این روز بدرستی مورد حمایت همه بخش های جنبش مستقل کارگری و اکثریت دوستداران این جنبش قرار گرفت و هر کس و هر جمعی در حد توان خود این حمایت را عملا ابراز نمود. روز نهم آگوست با برخورداری از حمایتی گسترده و برپاکردن اعتراضی متحد به دستگیریها و سرکوب ها در واقع به روز ابراز وجود جنبش مستقل کارگری ایران نیز بدل شد. در این میان تنها هیئت موسسان سندیکاهای کارگری بود که از این روز حمایت نکرد و در آن

شرکت ننمود. هیئت موسسان نه از روی فراموشکاری و یا ندانم کاری که از سر مخالفت به نهم آگوست پشت کرد. ریشه این عناد در زد و بندهایی است که بین حسین اکبری و محافل توده ایستی و خانه کارگر جریان دارد. تلاش های ضد کارگری فوق در مقاله «دشنه توده ایسم بر پشت جنبش کارگری» توسط بهمن شفیق با دقت و ریزبینی شکافته و افشا شده است. حضرات می خواهند که جنبش کارگری ایران در عرصه بین المللی به جای «آی تی یو سی» با فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (دبلیو اف تی یو) متصل و متحد شود. رذالت این تلاش اما در اینست که «دبلیو اف تی یو» فی الحال متحد و حامی جان برکف خانه کارگر، این دشمن قسم خورده طبقه کارگر ایران است. جان کلام نظرات توده ایست ها چنین است: «آی تی یو سی امریکایی است؛ احمدی نژاد با چاوز ضد امپریالیست رابطه حسنه دارد؛ دبلیو اف تی یو ضد امپریالیست است؛ خانه کارگر خواهان اتحاد جهانی با دبلیو اف تی یو علیه امپریالیسم می باشد؛ خانه کارگر ضد امریکایی و ضد امپریالیست است؛ پس معادله ساده ریاضی حکم می کند که جنبش کارگری ایران با خانه کارگر و دبلیو اف تی یو علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا متحد شود» (۲). بهمین سادگی! یعنی روز از نو روزی از نو! عالیجنابان توده ایست، بدون ذره ای شرم و وجدان که انتظاری غیر از اینهم نبود، با رذالت و وقاحتی بی نظیر همان سیاست خونبار و جنایت بارشان در دهه شصت را دوباره علم کرده اند. سیاستی که مشاور و همدست به خون کشاندن یک نسل کامل از کمونیست ها و فعالین طبقه کارگر بود.

اگر توده ایست ها سیاست خونبار و جنایت بارشان در دهه شصت را با ضرورت دفاع از «اردوگاه سوسیالیسم» و هدایت ارتجاع اسلامی حاکم به «راه رشد غیر سرمایه داری» توجیه می کردند؛ امروز در غیاب «اردوگاه سوسیالیسم» واضح است که فقط برای لف و لیس در رژیم اسلامی و مزدوری دستگاه های قضایی و امنیتی آن وارد این کارزار شده اند. اینها سفارش و پول دریافت می کنند تا با نقل قول از مارکس و لنین ماهیت آدم کش و ضدکارگری رژیم و نهاد های کارگری اش را تطهیر کنند. اینها سیاسیون مزدوری هستند که برایشان فرقی ندارد برای کی کار می کنند، «اردوگاه سوسیالیسم» یا خلافت اسلامی در ایران، ک گ ب یا دستگاه امنیتی رژیم، یوری آندروپوف یا سعید مرتضوی. اینها فقط نوکر و مزدورند، همین و بس. بنابراین تکلیف توده ایست ها و حسین اکبری ها روشن است. مسئله مهم اینست که چرا فعالین صدیق هیئت موسسان راه خود را از اینها جدا نمی کنند. عدم حمایت هیئت موسسان از نهم آگوست و پشت کردن آن به این همبستگی بین المللی با طبقه کارگر ایران با هیچ چیز غیر از تبعیت آن از خط حسین اکبری قابل توضیح نیست.

## بسته شدن ایلنا

نکته دیگری که تقویت کننده تبعیت هیئت موسسان از سیاست های دبیر اجرایی اش است ماجرای ایلنا می باشد. در متن تحرکات سرکوبگرانه رژیم، خبرگزاری ایلنا هم بسته شد. در طیف فعالین مستقل کارگری کسی به بسته شدن ایلنا اعتراض نکرد، غیر از حسین اکبری که با ظاهری مستقل طی نوشته «سهم جامعه کارگری ....» به دفاع از ایلنا پرداخت. قضیه چیست؟ آیا فعالین مستقل کارگری اهمیت آزادی بیان و آزادی رسانه ها و ممنوعیت سانسور را درک نمی کنند؟ آیا آنها آزادی را فقط برای خود می خواهند و برای مخالفانشان قابل نیستند؟ آیا حسین اکبری از سر آزادی خواهی و دفاع از حق آزادی مخالفانش وارد این میدان شده است؟ خیر. نه فعالین کارگری محدود نگر و تنگ

نظرند، و نه حسین اکبری آزادیخواه و بلند نظر. بویژه اینکه «آزادیخواهی» او ابداً برای دفاع از آزادی بیان و تلاش های فعالین مستقل و چپ جنبش کارگری به کار نمی آید و از این نظر کارنامه «درخشان» ایشان تهی است. آغوش «آزادیخواهی» حسین اکبری منحصرراً برای خانه کارگر و شوراها ی اسلامی کار باز است.

در این زمینه تفاوت یک موضع مستقل کارگری و سوسیالیستی با مواضع امثال حسین اکبری اینست که ما به آزادی بی قید و شرط بیان که آزادی رسانه ها هم بخشی از آنست معتقدیم. آزادی بی قید و شرط به طور طبیعی شامل آزادی کامل بیان و اظهار و نشر آرا و افکار و عقاید مخالفان نیز هست که در غیر اینصورت نفس آزادی بی معنی و لغو می شود. اما دفاع از حق آزادی بیان به معنای دفاع از محتوای نظرات نیست. حق بیان با محتوای بیان دوجیز متفاوت است. به این ترتیب اعتراض به موارد مشخص نقض آزادی بیان مستقل از محتوای آنها و برای تقویت بیشتر خود این حق می باشد. اما برای حسین اکبری قضیه کاملاً معکوس است و حق آزادی بیان به مستمسکی برای دفاع از نظرات دلخواه و تقویت جریان سیاسی مطبوع خود تبدیل شده و این همان کاری است که او در باره ایلنا انجام می دهد. حسن اکبری بدنبال ترسیم نقشی مظلوم و قربانی برای ایلنا به خواننده پیام می دهد که « این خبرگزاری برابر آنچه در باره خود می گوید»: « ایلنا با هدف بویژه اعتلای سطح آگاهی طبقه شریف کارگر فعالیت خود را با حمایت خانه کارگر آغاز کرده است» (تاکیدها از من است).

می بینیم که دفاع از آزادی رسانه ها تبدیل شد به دفاع از ایلنا و خانه کارگر و اشاعه دروغ در باره آنها. خانه کارگر جنایتکار و آدمکش و ابزار سرکوب طبقه کارگر توسط یک رژیم استبدادی و ضد کارگری و ضد انسانی تبدیل می شود به مبشر آگاهی و حامی «اعتلای سطح آگاهی طبقه شریف کارگر»، و ایلنا این ابزار پیشبرد اهداف شوم خانه کارگر بدل می شود به بلندگوی «اعتلای سطح آگاهی طبقه شریف کارگر». حتماً آگاهی مورد نظر حسین اکبری برای کارگران همان آگاهی مورد نظر علیرضا محبوب است که آشکارا با یک زبان حرف میزنند. اما تا آنجا که حسین اکبری خود را در جنبش مستقل کارگری می داند این را هم بداند که او به عنوان مبلغ سازش با خانه کارگر در اینسوی خط افشا می شود.

جناب اکبری ماموریت تطهیر خانه کارگر را زیرکانه با نقل آنچه خانه کارگر در باره خود می گوید انجام می دهد تا در مقابل انتقادهای احتمالی مدعی شود که گفته آنها را نقل کرده. این درست است، اما آنچه را که خانه کارگرها در باره خود گفته اند را ایشان از جان و دل و همچون یک خانه کارگری برای دیگران نقل می کند.

در مورد تطهیر خانه کارگر و ایلنا نیز مانند مورد پشت کردن به روز همبستگی نهم آگوست وضع حسین اکبری روشن است. اما مسئله اینست که در این مورد هم موقعیت هیئت موسسان مورد سوال است. نظرات حسین اکبری در باره خانه کارگر و ایلنا محدود به اونبوده بلکه متعلق به دبیر اجرایی هیئت موسسان و به این ترتیب متعلق به خود هیئت موسسان نیز هست. آیا هیئت موسسان معتقد است که خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران برای «اعتلای سطح آگاهی طبقه شریف کارگر» تلاش می کند؟ آیا هیئت موسسان ایلنا را رسانه ای در خدمت «اعتلای سطح آگاهی طبقه شریف کارگر» می داند؟ تا همینجا سکوت هیئت موسسان در برابر این سوالات و اظهارات دبیر اجرایی اش نشانه موافقت این هیئت است.

دو موردی که در اینجا طرح شد یعنی پشت کردن به روز همبستگی نهم آگوست و تطهیر خانه کارگر و ایلنا عامدانه در مقطعی رخ دادند که جنبش مستقل کارگری زیر ضربات سنگین رژیم قرار گرفته و هر روز شاهد دستگیری فعالین کارگری و صدور احکام ضد انسانی علیه آنان هستیم. در چنین شرایطی، هیئت موسسان با پشت کردن به اعتراض جهانی علیه سرکوب ها و دستگیری ها مشغول دست کشیدن به سرو روی خانه کارگر و بزک آنست. هیئت موسسان باید تکلیف خود را روشن کند کجا ایستاده است. عدم پاسخ شفاف به این سوال به معنای انتخاب عملی این هیئت برای قرار گرفتن در کمپ ضد کارگر دبلو اف تی یو و خانه کارگر می باشد. در اینصورت مطمئن باشیم که اینگونه حرکات خزنده و خرابکارانه پیگیر و قاطعانه افشا خواهند شد.

### امیر پیام

آگوست ۲۰۰۷

۱- همه این نقد ها در سایت انترنتی امید موجود است: <http://omied.net>

۲- به عنوان نمونه به نوشته های المیرا مرادی و انوشه کیوان پناه و هادی پاکزاد در سایت های اینترنتی دنیای ما، نوید نو، فرهنگ توسعه و سلام سوسیالیسم نگاه کنید.